



خبر بازداشت دو متخلف مالی که از قضا پسر و عروس حجت‌الاسلام کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران هستند موج واکنش‌ها را در فضای مجازی برانگیخت. متن خبر اولیه به نقل از «منبع آگاه» بود و فاقد جزئیات. بنابراین گمانه‌زنی‌ها درباره چند و چون ماجرا و ارتباط دادش به پرونده‌های دیگر آغاز شد. اگرچه واکنش‌ها به این پرونده با کثرت و تنوع زیادی همراه بود اما یک نقطه اشتراک هم در این میان به چشم می‌خورد. «کدام مسئول فسادش ثابت‌شد و جمهوری اسلامی با او برخورد نکرد؟» این موضع صریح غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه است که سال گذشته در واکنش به دستگیری فرزندان معاون اول قضائیه ایراد شد. از محمدرضا رحیمی و اسفندیار مشایی در دولت احمدی‌نژاد تا حسین فریدون برادر روحانی و محمد جهانگیری، برادر اسحاق جهانگیری و از فرزندان مصدق در دل دستگاه قضایی تا پرونده اخیر فرزند صدیقی، حکایت از این دارد برای قوه عدلیه، قانون، خط قرمز نمی‌شناسسد. این نقطه اشتراک در واکنش طیف‌های مختلف به پرونده فرزند صدیقی نشانسان داد که عدالت‌خواهی غیرجناحی، نه‌تنها سرمایه اجتماعی را بازسازی می‌کند، بلکه پیوند اعتماد میان مردم و نظام را مستحکم‌تر می‌سازد.

صدیقی، ساعتی پس از انتشار خبر در اولین واکنش به این موضوع تأیید کرد که حدود یک هفته پیش، فرزندش با دستور قضایی بازداشت شده و هم‌اکنون در بازداشت به سر می‌برد. او با تأکید بر پابندی به قانون گفت: «اگر اتهامات ثابت شود، باید طبق قانون برخورد شود» و تأکید کرد که هیچ‌گونه دخالتی در روند قضایی نکرده است. این پرونده فارغ از گمانه‌زنی‌ها فرصتی است برای بازخوانی عزم نظام قضایی در برخورد بی‌تبعیض با تخلفات، حتی در بالاترین سطوح و فرصتی مغتنم است برای یادآوری اینکه عدالت‌خواهی اصیل فراتر از جناح‌ها و جایگاه‌ها می‌تواند عهد ۵۷ با مردم را تجدید کند.

■ ■ ■

■ **فرصت احیای سرمایه اجتماعی**

پرونده فرزند کاظم صدیقی، امام‌جمعه موقت تهران مانند موارد مشابه فرصتی برای سیستم قضایی است تا نشان دهد در برخورد با فساد خط قرمزى ندارد. برخی معتقدند رویکرد «انقلاب» به معنای محدودشدن به «هسته سخت» نظام و چشم‌پوشی از حاشیه‌هاست، اما رویکرد انقلابی واقعی را باید در عمل به‌وعده‌ها ۵۷ جست. بر برخورد بدون تبعیض با متخلفان فارغ از جایگاه سیاسی، مذهبی یا خانوادگی می‌تواند اعتماد عمومی را بازسازی کند. در شرایطی که جامعه مبتلا به دوقطبی‌های سیاسی، اجتماعی و جانش‌های اقتصادی است عدالت‌خواهی غیرجناحی می‌تواند نیروی ترمیم‌کننده این شکاف، یعنی «سرمایه اجتماعی» را تقویت کند.

اروپا، اینستکس و یک اعتراف دیر هنگام

تکیه کردم بروفای او، غلط کردم، غلط



محمدجواد ظریف که سابقه پری از اظهارات و اقدامات سنسنیچده داشته و بارها نیز علی‌رغم نادیده گرفتن انتقاده‌ها به رویکردش در سیاست خارجی، در نهایت از موضع خود عقب نشسته است در جدیدترین اعتراف خود در نخستین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اروپا و آمریکا گفت: «اشتباه می‌کردیم که از اروپا توقع داشتیم اینستکس راه بیندازد؛ چون حوزه رقابتش را آنجا تعریف نکرده است.» او اظهاراتش را اینگونه ادامه داد: «اروپایی‌ها در مذاکرات می‌گفتند برجام را رعایت کردیم، گفتیم اگر رعایت کرده بودید که شرکت‌های شما از اینجا نمی‌رفتند.» ظریف درحالی اعتراف می‌کند اروپا ضمن عدم تعهد به برجام به سازوکار اینستکس که با هدف جبران خروج آمریکاوضع شده بود نیزبازپایند نبوده که او چند روزپیش از تصویب برجام در مجلس در نشست بررسی برجام در شورای راهبردی روابط خارجی در پاسخ به سؤال فواد ایزدی که گفته بود چه الزام حقوقی برای اجرای تعهدات طرف مقابل آن‌هم پس از آنکه ایران به تعهداتش در برجام عمل کرد، وجود دارد، گفت: «آمریکا چاره‌ای جز پایبندی به برجام ندارد.» ظریف در پاسخش به ایزدی تأکید می‌کند: «در صورت عدم پایبندی آمریکا مقبولیتش در دنیا را از دست خواهد داد. و اگر تحریم‌ها را برگرداند کسی آن را اجرا نمی‌کند.» اما در نهایت آمریکا از برجام خارج شد و کشورهای اروپایی نیز که به همین تحریم‌ها پایبند ماندند سازوکار اینستکسی که برای دورزدن تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا راه انداخته بودند را به کار نگرفتند. برای همین هم همان‌طور که ظریف نیز اشاره کرده است شرکت‌هایشان ایران را ترک کردند. اروپایی که به هیچ یک از تعهداتش عمل نکرده اکنون تهدید کرده است که مکانیسم ماشه را علیه ایران فعال می‌کند. طرف اروپایی با استناد به سازوکارهای معیوبی همچون اینستکس می‌خواهد بگوید علی‌رغم خروج آمریکا از برجام اروپا با چنین سازوکارهایی به برجام پایبند مانده است؛ حال آنکه این سازوکارها در نهایت خروجی نداشت و شرکت‌های اروپایی نیز تحت فرمان آمریکا به یک از مسیر تعاملی که پس از برجام با ایران شروع کردند عقب‌نشینی کرده و با آمریکا همراه شدند تا امروز ظریف این‌گونه به اشتباهش در پذیرش این سازوکار اعتراف کند. این نخستین بار نیست که ظریف مسیر بن‌بستی را تا انتها طی کرده و در نهایت از موضع خود بازمی‌گردد. البته هیچ مقام و مسئولی نمی‌تواند ادعا کند که در تمام دوران مسئولیتش هیچ اشتباهی نکرده اما آنچه محل انتقاد قرار دارد این است که آن فرد علی‌رغم انتقادهای متعددی که به‌ویرویکردش می‌شود به طی کردن یک مسیر غلط اصرار به خرج داده و با دل‌خوش کردن به تشویق‌های جامعه هواداری برای یک کشور هزینه‌های کلان تراشیده و در نهایت نیز به اشتباهاتی اعتراف کند که خیلی زودتر به او گوشزد می‌شدند اما شنیده نمی‌شدند.

■ ■ ■

■ **میدان‌سوزی**

یکی از بحث‌برانگیزترین اظهارات ظریف، در گفت‌وگویی با سعید لیلاز در اواخر سال ۱۳۹۶، به موضوع رابطه میدان (عملیات نظامی و منطقه‌ای) و دیپلماسی (سیاست خارجی رسمی) مربوط می‌شود. ظریف در این گفت‌وگو اظهار داشت که «میدان» هیچ‌گاه اقدامی در راستای کاهش تحریم‌ها یا به نفع دستگاه دیپلماسی انجام نداده است. او با اشاره به مثالی

برخورد با نزدیکان امام‌جمعهٔ تهران امید به احیای سرمایهٔ اجتماعی از مسیر عدالت‌خواهی را پررنگ کرد

فرزندان نمی‌توانند انقلاب را بخورند

■ **از شهرداری تا اولین**

غلامحسین کرباسچی، شهردار وقت تهران در سال ۱۳۷۶ به اتهامات مالی و تخلفات در مدیریت شهرداری بازداشت شد. این پرونده با نام عباس آخوندی، وزیر مسکن و بگیری علی محمد بشارتی، وزیر سابق کشور کلید خورد و توسط حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی به فرماندهی سردار نقدی دنبال شد. اتهامات کرباسچی شامل مشارکت در اختلاس، ارتشا، تضییع و تصرف اموال عمومی، تبانی در معاملات دولتی و پرداخت ۲۵ میلیون تومان به نامزد‌های انتخابات مجلس پنجم بود. محاکمه او در شعبه ۲۶ دادگاه عمومی تهران به ریاست غلامحسین محسنی‌اژ‌ای از ۱۷ خرداد ۱۳۷۷ آغاز شد و جلسات آن از تلویزیون پخش شد. در نهایت به سه سال حبس، ۱۰ سال انفصال از خدمات دولتی و رد مال محکوم شد؛ اما در برخی اتهامات مانند ارتشا تبرئه شد.

■ **فرزندان هاشمی‌رفسنجانی در بند**

فرزندان علی اکبر هاشمی‌رفسنجانی هم از جمله کسانی بودند هدف رسیدگی های قوه قضائیه قرار گرفتند.
مهدی هاشمی‌رفسنجانی: مهدی هاشمی، فرزند اکبر هاشمی‌رفسنجانی به اتهامات مالی و امنیتی درگیر پرونده‌های قضایی شد. در سال ۲۰۰۷، شرکت توتال به پرداخت ۳ میلیون یورو رشوه به مقامات ایرانی برای قرارداد پارس جنوبی متهم و نام هاشمی به‌عنوان دریافت‌کننده مطرح شد. در پرونده اسات‌اولیل نروژ، او متهم به دریافت ۱۵ میلیون یورو رشوه برای تسهیل قرارداد نفتی شد که منجر به جریمه شرکت شد. در سال ۱۳۸۸، اتهاماتی مانند انتشار اکاذیب و سوء استفاده مالی از سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت مطرح شد. در سال ۱۳۹۴، به اتهام اختلاس، ارتشا و جرایم امنیتی به ۱۰ سال حبس، رد مال و جزای نقدی محکوم شد.

فائزه هاشمی‌رفسنجانی: فائزه هاشمی هم به دلیل فعالیت‌هایش در ماجراهای سال ۸۸ در سال ۱۳۹۰ به اتهام تبلیغ علیه نظام به ۶ ماه حبس و ۵ سال محرومیت از فعالیت سیاسی محکوم شد. در سال ۱۳۹۵، به اتهام نشر اکاذیب علیه قوه‌قضائیه و سپاه، مجدداً به ۶ ماه حبس محکوم شد. فائزه هاشمی در ماجراهای سال ۱۴۰۱، به اتهام تحریک اعتراضات بازداشت و به ۵ سال حبس محکوم شد.

■ **معاونان احمدی‌نژاد زیر تیغ عدالت**

دولت احمدی‌نژاد با شعار عدالت‌محوری شاهد محاکمه معاونان ارشد خود از جمله حمید بقایی، اسفندیار رحیم مشایی و محمدرضا رحیمی به اتهامات سنگین فساد مالی و اقدامات علیه نظام بود.

حمید بقایی (معاون اجرایی): معاون اجرایی احمدی‌نژاد و رئیس سابق سازمان میراث‌فرهنگی به اتهام فساد مالی در مناطق آزاد بازداشت شد. اکبر ترکان، مشاور رئیس‌جمهور روحانی فاش کرد که بقایی اموال مناطق آزاد را با قیمت نازل به خودش اجاره داده و مؤسسه‌ای خصوصی به نام «خانه

ایرانیان خارج از کشور» تأسیس کرده بود. بقایی همچنین متهم به اختلاس و تخلفات مالی در سازمان میراث‌فرهنگی بود.

اسفندیار رحیم‌مشایی (رئیس دفتر): رئیس دفتر محمود احمدی‌نژاد در دولت دهم و از نزدیک‌ترین یاران او، در ۲۶ اسفند ۱۳۹۶ بازداشت شد. این بازداشت پس از اقدام جنجالی او در آتش‌زدن حکم قضایی حمید بقایی مقابل سفارت انگلیس رخ داد. مشایی این حکم را «ناعدالانه» و تحت‌تأثیر «کانون‌های تصمیم‌گیری خارجی» خوانده بود.
محمدرضا رحیمی (معاون اول): محمدرضا رحیمی، معاون اول دولت دهم یکی از مهم‌ترین نمونه‌های برخورد قضایی با مقامات ارشد است. او در سال ۱۳۹۲ به اتهام «تشکیل شبکه ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری»، «اخذ رشوه» و «تحصیل مال نامشروع» محاکمه شد. دادگاه او را به ۱۵ سال حبس، رد مال ۲/۸۵ میلیاردتومانی و جریمه یک میلیاردتومانی محکوم کرد.

■ **حتی شما برادر رئیس‌جمهور عزیز**

دولت حسن روحانی نیز از تیغ عدالت‌نظام در امان نماند و رئیس‌جمهور و معاون اولش شاهد دستگیری و محاکمه برادرانشان به اتهامات سنگین فساد مالی و بانکی بودند.

حسین فریدون (برادر رئیس‌جمهور): حسین فریدون برادر حسن روحانی، رئیس‌جمهور اسبق به دلیل ارتباط با پرونده‌های فساد بانکی مورد اتهام قرار گرفت. فریدون فرماندار نیشابور و کرج، سفیر ایران در مالزی و عضو تیم نمایندگی ایران در سازمان مال ملل بود. او پس از پیروزی روحانی در انتخابات ۱۳۹۲، به‌عنوان دستیار ویژه رئیس‌جمهور منصوب شد و در مذاکرات هسته‌ای حضور داشت؛ اما نام فریدون زمانی در رسانه‌ها برجسته شد که اتهامات مالی علیه او مطرح شد. علیرضا زاکانی، نماینده وقت مجلس فاش کرد که فریدون با بدهکاران بانکی مانند رسول دانی‌زاده و مالا میری در ارتباط بوده و وامی ۴۰۰ میلیون درهمی با کارمزد صفر درصد از بانک ملت دریافت کرده‌اند. این پول پس از تبدیل در صرافی‌ها، دوباره با سود ۲۴ درصدی در بانک ملت سرمایه‌گذاری شده بود. فریدون همچنین متهم به لابی‌گری برای انتصاب علی‌صدقی، مدیرعامل بانک رفاه‌شد که به دلیل تخلفات برکنار شد.
مهدی جهانگیری (برادر معاون اول): مهدی جهانگیری، برادر اسحاق جهانگیری معاون اول دولت حسن روحانی و بنیان‌گذار بانک گردشگری و رئیس گروه مالی گردشگری بود. فعالیت‌های فریدون هم با حاشیه‌هایی همراه بود از جمله پرداخت پاداش ۲۰۰ میلیون‌تومانی به اعضای هیئت‌مدیره بانک گردشگری در سال ۱۳۹۳.

در سال ۱۳۹۶، جهانگیری به اتهام فساد مالی توسط سازمان اطلاعات سپاه کرمان بازداشت شد. در نهایت، در بهمن ۱۳۹۹، غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی وقت قوه قضائیه از محکومیت او خبر داد. جهانگیری به جرم قاچاق حرفه‌ای ارز و تحصیل مال نامشروع به چهار سال حبس، رد مال و جزای نقدی محکوم شد.

■ **فسادزدایی ازدل عدلیه**

در شهریور ۱۴۰۳ خبر بازداشت فرزندان محمد مصدق کهنمویی، معاون اول قوه قضائیه منتشر شد. اتهامات آن‌ها شامل «اعمال نفوذ در پرونده‌های قضایی کلان اقتصادی» و دریافت وجوه کلان در ازای وعده اخذآرای قضایی بود. این شبکه با سوءاستفاده از نام پدرشان دفتر غیرقانونی تشکیل داده و با شناسایی پرونده‌های اقتصادی بزرگ به طرِفین وعده‌رای تضمینی در قبال دریافت ارز، سکه و خودرو می‌داد. مبالغ دریافتی به حساب‌های پوششی واریز و در خرید املاک، خودروهای لوکس، طلا و سکه سرمایه‌گذاری می‌شد. مصدق پس از ۱۷۰ روز از شروع پرونده از سمت خود استعفا داد تا شائبه اعمال نفوذ را از بین ببرد. او در نامه استعفایش تأکید کرد که هیچ ارتباطی با عوامل پرونده نداشته است.

■ **هستهٔ سخت عدالت**

موارد مذکور نشان می‌دهند که قوه قضائیه در برخورد با فساد از نزدیکان رؤسای‌جمهور (احمدی‌نژاد، روحانی و هاشمی‌رفسنجانی) گرفته تا فرزندان مقامات قضایی و حتی امام‌جمعه‌خط‌قرمز ندارد. این برخوردها اما با وجود تنوع در ماهیت، پیامی واحد دارند که اژه‌ای، رئیس دستگاه قضا بارها بر آن تأکید کرده: «قانون برای همه یکسان است.» برخورد با مشایی و بقایی، فریدون، فرزندان مصدق و کاظم صدیقی نشان‌دهنده تلاش برای تحقق عدالت غیرجناحی است. این رویکرد اگر با شفافیت، اطلاع‌رسانی دقیق و قاطعیت ادامه یابد می‌تواند اعتماد عمومی را بازسازی کند و به جای تکیه صرف بر «هسته سخت»، پیمان ۵۷ را با مردم تجدید کند. از سوی دیگر شفافیت در رسیدگی به پرونده‌هایی مانند صدیقی، رحیمی، فریدون و مصدق به‌نوعی کلید بازسازی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. اطلاع‌رسانی به‌موقع و البته دقیق همراه با اجتناب از جنجال‌های رسانه‌ای غیرمستند می‌تواند اطمینان مردم را به نظام قضایی تقویت کند.

■ **فرزند یا فرزندان؟**

خبر اولیه‌ای که روز گذشته به نقل از یک منابع آگاه در رسانه‌ها منتشر شد اشاره داشت که «دو فرزند» صدیقی بازداشت شده‌اند. این در حالی است که چند ساعت بعد، شخص امام‌جمعه موقت تهران اعلام کرد که «یکی از فرزندان» از هفته گذشته در بازداشت به سر می‌برد و تا لحظه تنظیم این گزارش، این اختلاف برای مردم روشن نشده و همین گمانه‌زنی‌ها و شک و شبهه‌ها را بیشتر می‌کند. ساعتی بعد اما یک خبرگزاری دیگر به نقل از صدیقی اعلام کرد که بازداشت‌شدگان، فرزند و عروسش هستند. این چندگانگی خبر آن‌هم درباره پرونده قضایی‌ای که واکنش عموم را برانگیخته به نفع مرجعیت خبر نیست. رسیدگی به پرونده‌هایی این‌چنین نقش افکار عمومی و رسانه‌ها را در این فرایند برجسته می‌کند. رسانه‌های رسمی که انتشار اخبار مستند و پرهیز از جنجال‌سازی می‌توانند به شفافیت روندهای قضایی کمک کنند و از تبدیل پرونده‌های قضایی به ابزار دوقطبی‌سازی جلوگیری کنند.

■ **فرزندان یا فرزندان؟**

■ **فرزندان یا فرزندان؟**

■ **فرزندان یا فرزندان؟**

■ **فرزندان یا فرزندان؟**

از سیستم نظامی ما می‌ترسد؟» این اظهارات به‌گونه‌ای بود که توان دفاعی و نظامی ایران را در برابر قدرت‌های غربی، به‌ویژه آمریکا، ناچیز جلوه می‌داد. این سخنان با واکنش‌های گسترده‌ای در داخل کشور مواجه شد و برخی آن را تضعیف روحیه ملی و تحقیر توان دفاعی ایران دانستند. رهبر انقلاب نیز در واکنش به این اظهارات توصیه کردند که برای برخی مسئولان تروهای علمی و دفاعی برگزار شود تا به توانمندی‌های نظامی کشور آشنا شوند. در نتیجه ظریف بعداً در یک نشست با فعالان فضای مجازی ادعا کرد که «هرگز نگفتم‌ام آمریکا می‌تواند ظرف ۵ دقیقه سیستم دفاعی کشور را نابود کند.» این عقب‌نشینی نشان‌دهنده عدم دقت در اظهارات اولیه و عدم توجه به تأثیرگذاری چنین سخنانی بر افکار عمومی و دشمنان خارجی بود. اظهارات ظریف درباره توان دفاعی ایران، نه‌تنها باعث ایجاد جنجال در داخل کشور شد، بلکه می‌توانست به‌عنوان نشانه‌ای از ضعف ایران در مذاکرات بین‌المللی تلقی شود. در شرایطی که توان نظامی و بازدارندگی ایران یکی از اهرم‌های اصلی در سیاست خارجی تهران محسوب می‌شود، چنین اظهاراتی می‌توانست پیام نادرستی به طرف‌های مقابل ارسال کرده و جایگاه ایران را در هرگونه مذاکره‌ای تضعیف کند.

■ **امیرکبیرنمایی نکنید**

با وجود انتقادهای متعدد به عملکرد و اظهارات ظریف، برخی جریان‌های رسانه‌ای و سیاسی تلاش کرده‌اند از او به طرز اغراق‌آمیزی چهره‌ای قهرمان‌گونه و کارگزاری توانمند بسازند. این جریان‌ها گاه ظریف را به‌عنوان «امیرکبیر زمان» معرفی کرده‌اند و حتی برکناری ایلان ماسک از دولت آمریکا را به عنوان فرصتی دیدند تا با کار کردن عکس ظریف در کنار ایلان ماسک درکنار هم این‌دورا از این بابت که هر دو در پیروزی کاندیدای مورد نظر خود در انتخاب اثر گذاشته و در نهایت از دولت کنار گذاشته شدند، همانند کنند. چنین همانندسازی بین ظریف با کسی که اخیراً ادعاهایی در مورد اعتیادش مطرح می‌شود و ایده‌های اجرایی‌اش در دولت آمریکا نظیر سبک‌سازی دولت و کنار گذاشتن کارکنان بدون نتیجه مانده و اعتراض اجتماعی ایجاد کرده، اتفاقاً تقلیل شأن ظریف محسوب می‌شود نه ارتقای جایگاه او. ضمن آنکه اگر بخوایم جنبه‌های مثبت اقدامات ایلان ماسک در حوزه کسب و کار را در نظر بگیریم و مثلاً با صرف‌نظر از همه رانت‌های دولتی که به ثروتمندتر شدن ماسک کمک کرده، او را کارآفرینی توانمند با ایده‌های قوی و منسجم بدانیم، ظریف از چنین ظرفیتی برخوردار نیست؛ کسی که مدام ایده‌های شکست‌خورده را طرح و اجرا کرده و در نهایت نیز موضع خود را گردن نمی‌گیرد قطعاً نمی‌تواند به عنوان فردی موفق مورد تأیید قرار گیرد. ظریف حتی در دوره مسئولیتش در معاونت راهبردی دولت پزشکیان نیز اقدام شاخصی انجام نداد و اینکه دولت هم در مقابل خرویش مقاومت خاصی نکرد شاید ناشی از همین کم‌عملی بوده و تلویحاً پالس مثبت به خرویش برداشست شود. فردی که به‌جای اجرای مسئولیتی در کنفرانس‌های بین‌المللی همچون مونخ شرکت می‌کرد تا در مسیری موازی با وزارت‌خارج به امور مرتبط با دیپلماسی رسمی کشور اظهار نظر کند و یا در این مجمع امنیتی که نیاز به بازنمایی قدرت و انسجام داخلی دارد دوگانه‌های سیاست داخلی و انتخاباتی را به دوقطبی تبدیل کرده و دانسته یا ندانسته به دولت‌های بدسابقه غربی پالس فراهم بودن فضا برای ایجاد التهاب بدهد.